

ادامه از صفحه ۷

در این بحث؛ رسیدن به این رقم مهم نیست بلکه تحرک، انسجام و بسیج کلیه دستگاه‌های دولتی و خصوصی و تدوین ده‌ها برنامه و طرح اجرایی و عملیاتی و فعال‌سازی دفاتر اطلاع‌رسانی گردشگری ایران و سفارتخانه‌های ایران در کشورهای جهان یا لاقال در کشورهای هدف گردشگری از جمله اقدامات مهمی بود که می‌بایست انجام می‌شد که متأسفانه در این سطح هم انجام نشد. هرچند میثاق‌نامه‌هایی با همه استان‌های کشور منعقد و سهم هر استان در ورود ۷/۵میلیون توریست مشخص شد اما به دلیل اینکه بسیاری از استان‌ها نه‌تنها مبدا ورود و خروج بین‌المللی مانند فرودگاه بین‌المللی یا پایانه مرزی زمینی و دریایی ندارند؛ حتی دفاتر خدمات مسافرتی فعال و با تجربه‌ای هم در بحث تور ورودی در بسیاری از استان‌ها نداریم بنابراین میثاق‌نامه جذب ۷/۵میلیون گردشگر هم با روش مذکور کارساز نبوده و برنامه جدی دیگری هم برای تحقق این هدف مشاهده نشد.

در بحث لغو رواید هم هیچ مصوبه یا اقدام عملیاتی و موثری از سوی نهادهای دستگاه‌های ذی‌ربط مشاهده نشد. هرچند اساسا بررسی جامعی هم در دست نیست که لغو رواید با ۶۰کشور ما را چقدر به ۷/۵میلیون توریست نزدیک‌می‌کند؟

به عبارتی آیا مطالعاتی در دست داریم

که وضعیت فعلی صدور رواید چقدر مانع ورود توریست است و لغو رواید چقدر می‌تواند موثر باشد؟ از طرفی که حال حاضر وضعیت ورود توریست از کشورهایی که با آنها لغو رواید هستیم چیست؟ آیا از کشوری مانند ترکیه یا سایر کشورهایی که با آنها لغو رواید هستیم، حجم قابل‌توجهی توریست خارجی داریم؟

واقعیت این است که لغو رواید و میثاق‌نامه و طرح‌های دیگری که به صورت نیم‌بند در معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری انجام شد راهگشا نبود و مسیر رسیدن به ۷/۵میلیون توریست یا حتی کمتر از آن را جلوبی نامی گذاشت.

واقعیت این است که ما در کشور تنها ۵۰ دفتر خدمات مسافرتی از میان دوهزار ۵۰۰ دفتر خدمات مسافرتی داریم که به کار تورهای ورودی اشراف دارند و فعالیت می‌کنند بنابراین اگر آن میثاق‌نامه‌ها؛ یا اینگونه موسسات و دفاتر و بخش خصوصی منعقد می‌شد و آنها به‌طور جدی مورد حمایت قرار می‌گرفتند بسیاری از مشکلات مرتفع می‌شد و حتی بحث‌هایی همچون رواید؛ زیر ساخت‌ها، تبلیغات بین‌الملل و حمل و نقل و… توسط همین گروه برنامه‌ریزی می‌شد. چرا که اساسا هم تجربه و هم تخصص کار را داشتند و هم به لحاظ مالی و اقتصادی ذی‌نفع هستند. از طرفی برنامه‌ریزی و اجرا با مدیریت و سبک بخش خصوصی، بسیار کارآتر از مدیریت دولتی است.

به نظر می‌رسد نگاه دولتی، اداری و دانشگاهی صرف، به توسعه توریسم؛ بدون در نظرگرفتن تجارب بخش خصوصی و عدم همراهی کسانی که سال‌ها در این حوزه چه در بخش دولتی و چه خصوصی فعالیت کرده‌اند؛ شعار و هدف جذب ۷/۵میلیون توریست را به خطرهای برای سال ۹۱ بدل کرده است. هرچند ممکن است در پایان سال یا در ارایه آمار و اظهار نظرهای مدیران ذی‌ربط، خبرهای تحقق این هدف را از سوی مسئولان بشنویم ولی آنچه در عالم واقع اتفاق افتاده کم‌کاری و نداشتن برنامه‌های اجرایی برای تحقق این هدف است.

از اینها که بگذریم، صنعت گردشگری کشور در سال ۹۱ از چند موضوع نیز رنج برد و جای چند برنامه، راهبرد و استراتژی در صنعت گردشگری ایران در سال ۹۱ خالی بود که عمده آن را به شرح ذیل نام می‌برم:

- عدم کنترل تاثیرات هدفمندی یارانه‌ها بر قیمت حامل‌های انرژی و افزایش هزینه مصرف انرژی تأسیسات و موسسات گردشگری و عدم حمایت دولت از این صنعت؛ هرچند مقرر بود که بسته حمایتی از صنعت گردشگری از سوی سازمان متولی تهیه شود، ولی کمر صنعت گردشگری زیر بار افزایش هزینه‌ها اگر شکست ولی به‌طرز محسوسی خم شد.
- خلاً بر برخی قوانین و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در صنعت گردشگری موجب تضییع حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده شد، به عبارتی هم فعالان حوزه گردشگری متضرر شدند و هم مردم و مسافران. مانند عدم تصویب دستورالعمل یا آیین‌نامه مناسبی برای فعالیت‌های مشارکت زمانی با مالکیت

جامعه



دو گردشگر در تهر

دو گردشگر در تهر

دو گردشگر در تهر

دو گردشگر در تهر

سال ناکامی

زمانی (تایم شرینگ) با پیگیری نکردن مصوبات جایزه صدارتی یا عدم تصویب وام و تسهیلات کم‌بهره به سرمایه‌گذاران یا عدم تصویب دستورالعمل مراکز رزرواسیون و مراکز اقامتی دولتی و ده‌ها مورد دیگر.
۳- عدم ورود به اجرای احکام برنامه و اسناد بالادستی اعم از احکام سند چشم‌انداز یا اصل ۴۴ یا سیاست‌های کلی نظام در حوزه اشتغال و ده‌ها برنامه دیگر مرتبط با صنعت گردشگری؛ به عبارتی کمتر معاون گردشگری در دولت ده‌م به اسناد بالادستی کلسی نظام در امر اشتغال، ابلاغی از سوی حتی بند ۹ سیاست‌های کلی سند برنامه‌ریزی در امر اشتغال، ابلاغی از سوی مقام‌مظمرهبری نیز که به تاکید و صراحت به گردشگری و حق گذر و ترانزیت اشاره دارد مورد توجه مسئولان ذی‌ربط قرار نگرفت.
ابلاغیه‌ای که این ظرفیت را دارد تا بسیاری از مشکلات صنعت گردشگری را در پوشش آن مرتفع کند.

-
-
-
-

عدم کنترل تاثیرات هدفمندی یارانه‌ها بر قیمت حامل‌های انرژی و افزایش هزینه مصرف انرژی تأسیسات و موسسات گردشگری و عدم حمایت دولت از این صنعت؛ هر چند مقرر بود که بسته حمایتی از صنعت گردشگری از سوی سازمان متولی تهیه شود، ولی کمر صنعت گردشگری زیر بار افزایش هزینه‌ها اگر شکست ولی به‌طرز محسوسی خم شد

-
-
-
-

۴- عدم تثبیت جایگاه حاکمیتی در صنعت گردشگری؛ به‌طور مثال هنوز صنعت گردشگری و فعالان این بخش در گیر با وزارت بازرگانی و شورای اصفاف و اتحادیه‌ها در اموری نظیر مرجع صدور پروانه کسب، چگونگی نرخ‌گذاری و نظارت هستند. و باوجود قوانین؛ شورای اصفاف و اتحادیه‌ها تحت حمایت وزارت بازرگانی، خود را متولی اصفاف و انجمن‌ها و تشکل‌های صنعت گردشگری می‌دانند و نمونه بارز آن اختلاف‌نظرهایی بر سر مرجع صدور مجوز سفره‌خانه‌های سنتی بین سازمان میراث فرهنگی و وزارت بازرگانی است یا عدم وجود رویه مشترک بر سر نحوه فعالیت در حوزه توریسم سلامت بین سازمان و وزارت بهداشت است و ده‌ها مثال دیگر از عدم به رسمیت‌شناختن جایگاه حاکمیتی صنعت گردشگری.

۵- عدم ورود به مباحث تخصصی در حوزه توریسم: به‌طور مثال با گذشت چندین سال از فعالیت بوروکراتیک و اداری در صنعت گردشگری کشور، هنوز موضوعات تخصصی درجه‌بندی و استانداردسازی یا تنظیم آیین‌نامه مشترک برای صدور مجوزهای بند الف و ب و پ و موضوعات کد اخلاق گردشگری یا بحث‌های محوله از سوی سازمان جهانی جهانگردی و ده‌ها موضوع تخصصی دیگر در این صنعت بدون برنامه و متولی و در هاله‌ای از ابهام است.

۶- حذف طرح‌ها و برنامه‌های موفق سننات قبل: به‌طور مثال در دولت نهم؛ معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی از غنای بالایی در طرح و ایده

و حتی اجرا برخوردار بود و ده‌ها طرح ملی و چند کمبته تخصصی در حوزه‌های مختلف توریسم فعالیت می‌کردند و اسناد و برنامه و هدف‌گذاری و تجارب زیادی را به ثبت رساندند که حتی در سال‌های اولیه دولت دهم هم پیگیری می‌شد اما در سال‌های اخیر به‌خصوص ۹۰ و ۹۱ اساسا همه آنها به فراموشی سپرده شد.

هرچندامیدان می‌رفت که باحضور رییس جدید سازمان، جناب آقای دکتر ملکزاده که اشراف بر این مسایل دارند این مشکلات و فضای رخسوت و رکود و سکوت از حوزه گردشگری رخت برینند اما به نظر می‌رسد به دلیل عدم حضور مدیران و کارشناسان کارآمد در حوزه‌های صنفی و ستادی حوزه گردشگری و عدم سابقه کار اجرایی موفق مدیران فعلی در زیرمجموعه‌معاونت تخصصی ذی‌ربط، این مهم محقق نشد.

البته نشانه‌های بهبود و تحرک هر چند کوچک و مقطعی با برگزاری جشنواره صدای عشایر و چند برنامه دیگر در زمان تصدی ملک‌زاده هویدا شد و متعاقب آن بخش خصوصی امیدوار بود در ماه‌های پایانی سال ۹۱ با حضور ایران در چند رویداد نمایشگاهی معتبر دنیا و چند برنامه دیگر، دوره تحرک سازمان در حوزه گردشگری تداوم می‌یافت.

هرچند به نظر می‌رسد همین چند برنامه موفق سازمان بیشتر منتج از نگاه ریاست جدید سازمان است تا وجود برنامه در حوزه گردشگری سازمان ولی ای‌کاش صنعت گردشگری بر محور برنامه پیش می‌رفت تا بر محور شخص چراکه بر اساس تجربه سال‌های قبل (۸۴ تا ۸۷) شاهد برنامه‌های موثر و هدفمندی در صنعت گردشگری اعم از تور با علایق ویژه؛ تدوین هزارویک مسیر سفر؛ گردشگری سلامت؛ طبیعت‌گردی؛ گردشگری روستایی و عشایری؛ ساماندهی مراکز اقامتی استیجاری و دولتی و برگزاری موفق ده‌همایش و سمینار به‌خصوص همایش توراپر اتورها با حضور بیش از ۱۵۰ توراپراتور بین‌المللی بودیم که همگی به‌واسطه حضور اشخاص و مدیران آن دوره و به‌طور خاص معاون گردشگری وقت (آقای دکتر ملکزاده و تیم اجرایی ایشان) بود. با رفتن و جابه‌جایی افراد هیچ برنامه‌ای وجود نداشت که حول آن حرکت شود و با رکود شدید فعالیت‌های توریستی در سازمان متولی روبه‌رو شدیم.

لازم به ذکر است صنعت گردشگری کشور علاوه بر آنکه نیازمند مدیران باسابقه در این حوزه است، نیازمند برنامه و طرح جامع است و نیازمند راهبرد و استراتژی هدفمند؛ با همدلی و حضور موثر بخش خصوصی است.

در سال ۹۱ این مهم، در روزمرگی سازمانی به فراموشی سپرده شد و هزاران فعال صنعت گردشگری از کسی که دفتر خدمات مسافرتی را اداره می‌کند تا کسی که مدیریت یک هتل یا اقامتگاه بوم‌گردی را بر عهده دارد تا راهنمایان؛ تورگردانان؛ مسافران؛ جوامع محلی؛ سرمایه‌گذاران؛ دانشگاهیان؛ خبرنگاران حوزه توریسم و همه و همه افراد و اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در صنعت گردشگری، هریک راه خود را رفتند و در چارچوب یک برنامه هدفمند و تحت کنترل عمل نکردند.

لذا براینند این همه فعالیت و زحمتی که فعالان گردشگری، اعم از دولتی و بخش خصوصی متقبل می‌شوند ما را به سرمنزل مقصود نرساند و نمی‌رساند و این واقعیت گردشگری کشور در سال ۹۱ بود.

اکنون که برخی انتقادات وارد بر فضای گردشگری کشور مطرح شد، خوب است به برخی اقدامات مناسب سال ۹۱ در حوزه گردشگری نیز اشاره شود: اقداماتی نظیر توجه ویژه به بخش طبیعت‌گردی؛ راناندازی سامانه مجازی صدور مجوزها؛ عضویت در برخی سازمان‌های بین‌المللی؛ تفاهم‌ها ونشست‌هایی که با برخی کشورهای بازار هدف انجام شد. ساماندهی صورت‌گرفته برای سفرهای نوروزی؛ برگزاری برخی از نمایشگاه‌های داخلی، کنفرانس گردشگری سلامت مشهد توسط بخش خصوصی؛ برگزاری سمینار برند توسط بخش خصوصی؛ برخی برنامه‌سازی‌ها بر رویکرد گردشگری توسط رسانه ملی؛ برخی جشنواره‌های استانی، برخی از مطالعات امکان‌سنجی در حوزه گردشگری و سرمایه‌گذاری و سایر فعالیت‌هایی که توسط بخش خصوصی و دولتی و استان‌ها انجام شد که در جای خود بسیار ارزشمند است ولی در مقایسه با سال‌های قبل و در چارچوب برنامه‌های موثر برای رسیدن به توسعه گردشگری کشور و افق ۱۴۰۴؛ بسیار ناچیز بوده و نقد جدی بر آن وارد است.

پاراگراف

بخش‌های دخیل در تحقق گردشگری

به نظر می‌رسد بخش مهمی از زمینه‌های توسعه مانند گردشگری، سفر و فراغت در معاملات سیاسی و چانه‌زنی‌های کسب جایگاه و اعتبارات مالی هنوز جدی گرفته نشده است. اکنون زمان برنامه‌ریزی منسجم و روشن‌شدن موتور محرک توسعه گردشگری فرا رسیده است. باید متوجه این موضوع باشیم که کشوری که ارتباطات اجتماعی و بازدیدکنندگان بسیاری دارد غیرقابل تحریم است. این بخش به مانند کارخانه‌ای است آماده که فقط مدیریت می‌خواهد و مدیر. کارخانه‌های آن طبیعت، مناطق دینی، آثار باستانی، دریاها و کوه‌ها، حوادث و رویدادها و… است که آماده و مهیاست و نیازی به سرمایه‌گذاری جهت احداث ندارد.

گردشگری پایدار: از سال ۱۹۹۰ در کنفرانسی که باعنوان «جهان در سال ۹۰» در کانادا برگزار شد، شرکت‌کنندگان کنفرانس که متشکل از بخش‌های دولتی، سازمان‌های غیر دولتی، دانشگاه‌ها و برخی فعالان اقتصادی بودند، بحث در رابطه با اهمیت عوامل زیست‌محیطی در حفظ و تقویت صنعت گردشگری را به شکل جدی مورد توجه قرار دادند و این- در حالی بود که در آن سال آثار زیانبار فعالیت‌های متنوع بشری در چهره محیط‌زیست به خوبی مشهود بود و هر روز صحنه‌های ناگوارتری در این زمینه مشاهده می‌شد. گردشگری روزی دو میلیارد دلار درآمد نصیب کشورهای فعال این صنعت می‌کند و از هر پنج کشور، چهار کشور درآمد خارجی‌شان از صنعت گردشگری است و در مجموع ۶۰ کشور جهان اولین درآمد ارزی آنها از طریق صنعت گردشگری تأمین می‌شود و اینها همه یعنی توجه به گردشگری پایدار که می‌باید جدی‌تر گرفته شود و سازمان‌های بین‌المللی با همکاری گروه‌های مختلف و خصوصا حمایت‌های دولت‌های محلی در مسیر تقویت آن، فعالان این صنعت را مورد حمایت و تشویق قرار دهند. گردشگری مسسولانه که در سال ۱۹۹۵ در بلژیه کیپ تاون آفریقای جنوبی مطرح شد، استمرار حرکت در مسیر توسعه پایدار و بهره‌برداری از منابع و دانشه‌ها، با در نظر گرفتن شرایط برای نسل‌های آینده، از طریق توجه به گردشگری پایدار جانی دوباره بخشید. گردشگری پایدار توجهی است به توسعه زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری صنعت گردشگری با توجه به ظرفیت‌های طبیعی موجود و حفظ حاصل‌خیزی و استمرار طبیعی حیات محیط‌زیست در آینده و این زمانی محقق می‌شود که توجه جدی به سهم مشارکت مردم، جوامع، رسوم و روش‌های زندگی در فعالیت‌های این صنعت، بین مردم جامعه مورد توجه قرار گیرد.

یادداشت

جایگاه گردشگری در افق ۲۰ ساله

ما کجا، افق ۱۴۰۴ کجا؟

محمد جهانشاهی . عضو جامعه بین‌المللی اکوتوریسم

قرار است در افق ۱۴۰۴ یعنی ۱۲ سال دیگر به سهم ۱/۵درصد از تعداد گردشگران جهان برسیم که حاصل آن دودرصد از درآمد کل گردشگری دنیاست که به سبب درآمدی کشور اضافه می‌شود، نقطه‌ای که ما میزبان ۲۰میلیون گردشگر خواهیم بود و رتبه اول منطقه را به خود اختصاص خواهیم داد. قرار بود طی این برنامه با رشد سالانه ۱۵درصد گام‌به‌گام، اهداف بلندمان را محقق کنیم.

اکنون هشت‌سال از این برنامه می‌گذرد و ۱۲سال باقی‌مانده است. پیش از این و طی سه برنامه اول تا سوم نیم‌نگاهی گام‌به‌گام به گردشگری شده بود که این نگاه در برنامه چهارم و تحت تاثیر فضای کارشناسی به نسبت موثر، یکی از جدی‌ترین برنامه‌ها را در رابطه با گردشگری پس از انقلاب رقم زد. برنامه چهارم در شرایطی برای دولت ششم به یادگار ماند که دهه ۸۰ دهه پرکار برای صنعت گردشگری ایران محسوب می‌شد و ایرانیان میزبان گردشگرانی از کشورهای اصلی گردشگرفرست دنیا بود. با تمام این احوال تحت‌تاثیر شرایط حاکم بر فضای سیاسی کشور و تغییر در مدیریت اجرایی و استقرار دولت نهم تغییرات اساسی در بخش‌های زیادی از بدنه دولت و به خصوص میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایجاد شد؛ جایی که اولین تغییر از طرف دولت بود و اسفندیار رحیم‌شاهی جای سیدحسین مرعشی معارفه شد. طی چهارسال مدیریت منشیای که اتفاقاً ثبات‌ترین دوره مدیریتی در این نهاد طی هشت‌سال گذشته بود شاهد جایگزینی بسیار وسیعی در سطح نیروی انسانی این سازمان بودیم و تحت تاثیر رویکرد دولت جدید، برنامه‌های موجود با تغییرات زیادی به مرحله اجرا درآمدند و مسیر متفاوتی پیش‌روی این صنعت ایجاد شد.

شاید جدی‌ترین اتفاقی که در این راستا شکل گرفت قرارگرفتن بحث گردشگری در مصوبات سفرهای استانی دولت بود و در هر جلسه خبری، بندها و مصوباتی در رابطه با گردشگری قرائت می‌شد و این موضوع حتی رقابتی را در بین استان‌ها برای کثرت مصوبات حوزه گردشگری ایجاد کرد. بحث مناطق نمونه گردشگری یکی از این موارد بود که اگرچه اهمیت زیادی در توسعه گردشگری دارد و توزیع عادلانه منابع را می‌توانست در پی داشته باشد اما نبود بسترهای لازم به‌خصوص از زبانی‌های اولیه و بررسی‌های کارشناسانه باعث شد اکنون و پس از طی این هشت‌سال از تعداد حدود هزارو ۵۰۰منتقله‌ای که در سفرهای استانی مصوبه هیات دولت را گرفتند فقط تعداد ۲۰۰ منطقه یعنی کمتر از ۲۵درصد آنها مراحل اولیه واکزاری به بخش خصوصی و شهرداری‌ها می‌گذراند. از آن گذشته با توجه به اینکه توسعه گردشگری عملی چندوجهی است و فقط به زیرساخت‌های سخت‌افزاری محدود نمی‌شود، شاهدیم که بخش زیادی از برنامه‌های مورد اجرا، مسیری نامطلوب را طی کردند و شرایط را به گونه‌ای رقم زده‌اند که بسیاری اصول گردشگری به خصوص بعد از پایداری آن را محقق نکرده و به‌جای ایجاد روندی توسعه‌دهنده مسیری را ایجاد کردند که حاصل آن، تغییرات قابل‌توجهی در کالبد مناطق تحت برنامه به‌ویژه تغییر در بافت‌های روستایی، برهم‌زدن توازن، افزایش آلودگی‌ها، مصرف بی‌رویه منابع و آثار مخرب دیگری از جمله تورم کاذب در ارزش مصادی آب و زمین و در نتیجه تغییر کاربری‌های غیراصولی و… را به شکل قابل‌توجهی از خود به جای گذارده است.

اکنون بسیاری مناطق روستایی و فضاهای بکر تحت‌تاثیر پسوند



گردشگری دچار دگرگونی‌های نامتناصبی شده‌اند و در بسیاری موارد آرامش حاکم بر زندگی جوامع محلی را بر هم زده‌اند. عدم‌توجه به بخش‌های آموزشی و فرهنگی، نبود برنامه‌های کارشناسی و از آن مهم‌تر ارزیابی‌ها و بررسی‌ها در مراحل اجرا باعث شد تا این حجم فعالیت‌هایی که هم به سرانجام رسیدند و به جای اینکه از گردشگری فعالیت‌تی سازنده و توسعه‌بخش سازند و مرهمی باشند بر مشکلاتی چون بیکاری و فقر، در بسیاری موارد، خود دردی تازه را در پی داشت و همچنان دارد. تغییرات مکرر و بی‌مورد که رقمی بالای ۶۰عنفر را طی این هشت‌سال در برگرفت باعث شد تا این نهاد متولی کمتر به انسجام مدیریتی و کاری برسد. به کارگیری بی‌دری افراد ناآشنا در پست‌های

مدیریتی و نبود سیاستی واحد و هدفمند همواره این نهاد را آیینست حوادث و حواشی فراوانی کرد. تا آنجا که داخه این بی‌برنامگی، گریبانگیر ادارات کل استان‌ها نیز شد و شاهد بودیم حتی در برخی موارد پست مدیرکل استان نزدیک به دوسال و نیم به صورت سرپرست اداره می‌شد و این خود مشکلات را صدچندان می‌کرد. افزایش نیروی انسانی، خالی‌بودن بسیاری پست‌ها از نیروهای کارآمد و پایین‌بودن اشل حقوقی کارکنان این نهاد از دیگر مواردی هستند که بحث مهم کادرسازی و تربیت نیروی انسانی را در محاق قرار دادند. از دیگر سو شرایط در سطوح بین‌المللی نیز به آمار و ارقام خلاصه شده و کمتر شاهد آثار و نتایج آن در بودیم. تغییر بی‌دری پروفایل مربوط به ایران در بخش اعضای سازمان جهانی جهانگردی به واسطه پنج تغییر در راس هرم مدیریت سازمان شرایطی را ایجاد کرد که هرگز انسجامی را در داخل و بیرون برای پیشبرد برنامه‌ها فراهم نکرد و در شرایطی که فضای بین‌المللی در جهان و به خصوص منطقه آسیا و خاورمیانه تجربه فضایی تازه و به سمت رکورد یکمیلیارد نفری را پیش می‌برد، تشکیلات متولی گردشگری ایران دچار حاشیه‌های بی‌دری بود.

اکنون و در شرایطی که مشکلات زیادی تحت تاثیر فشارهای بین‌المللی و مشکلات داخلی گریبانگیر کشور است و خواست همه ایرانیان عزت و سربلندی کشور است و از آنجا که نقش و کارکرد صنعت گردشگری اکنون روشن‌تر از همیشه است، دولت جدید با نگاهی ویژه موظف به سهم‌دادن گردشگری در توسعه کشور است. شورایعالی گردشگری با حضور بالاترین مقام اجرایی کشور و حتی دیگر روسای قوا و بخشی از بدنه مدیریتی کشور به صورت منظم و با هدف سیاستگذاری و از آن مهم‌تر اجرایی‌شدن برنامه‌ها را پیگیری کند. ارتباط بیشتر و کاربردی‌تر با نهادهای بین‌المللی و استفاده از تجربه کشورهای که شرایط نزدیک‌تری با جامعه و کشور ما دارند از دیگر اولویت‌های مورد پیگیری باید باشد. تقویت بعد فنی و کارشناسی نیروی انسانی و افزایش انگیزه و کارآمدی این بدنه و آشنایی با علم روز این صنعت، اصل مهم و بسترساز تحقق اهداف است. تعیین تکلیف مناطق نمونه گردشگری، توجه به بعد پایداری و ارتباط دوسویه گردشگری با دیگر ارزهای جامعه و مناظر مختلف باید اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. نفوذ دامنه گردشگری در ادبیات جامعه و لمس درآمد گردشگری در قشرهای متأثر از این صنعت و توجه به فرهنگ و مباحث آموزشی موارد نیازهای دیگری برای نقش‌دادن به گردشگری است؛ شرایطی که تحت‌تاثیر وجود برنامه و تیم اجرایی بر توتان حاصل می‌آید و در نظر بگیریم که خواست عمومی در لایه‌های بالای تصمیم‌گیرنده نیز بر این روند صعه گذارد.